

نقد بیانات اعلیحضرت در تورنتو

بخش دوم

امیر فیض - حقوقدان

برای اولین بار است که در بیانات اعلیحضرت واژه **< خرد جمعی >** بکار برده شده است و تأثیرات متوجه واژه مزبور، مشوق بوده است که در مصاحبه با بخش افق صدای آمریکا که بعد از تشریف فرمائی به تورنتو انجام گرفته بکرات از واژه مزبور استفاده شود.

خرد جمعی، که بمعنای استفاده از دانش و هوش جمعی از افراد برای تشخیص درست و نادرست است، همان است که در جوامع انسانی بصورت کمیسیون - مجمع مشاوره - مجمع تشخیص مصلحت در جمهوری اسلامی - شوراهای امنیت ملی - هیئت مدیره و مجامع عمومی شخصیت های حقوقی و امثال آنها وجود دارد و در واقع اساس فعالیت های اجتماعی را تشکیل میدهد.

مشاوره و تشخیص خیر و شر از زمان های قدیم در جهان چه در سطح خانواده ها و تا حکومت و سلاطین وجود داشته است.

امیر تیمور گفته است **< هر سلطنتی که از کنکاش و مشورت خالی باشد، آنچه کند و گوید غلط و موجب پشیمانی و ندامت است نه (۹) در صدامور سلطنت مشورت است و یک حصه شمشیر >** (روش سیاسی امیر تیمور صفحه ۳)

< خردمند آنست که چون کارش پدید آمد همه را جمع کند و به بصیرت در آن ننگد تا آنچه صواب است از آن بیرون کشد و دیگر رایله کند همچنان که کسی رادیناری گم شود اندر خاک، اگر زیرک باشد همه آن خاک را در آن نواحی جمع کند و به غربالی فروریزد تا دینار پدید آید > (ابوسعید ابی الخیر)

خرد جمعی در حقوق اجتماعی

موقعیت **خرد جمعی** یعنی استفاده از نظرات عده ای که هیچ شرط و قیدی برای تعداد آن افراد و یا تخصص و یا صلاحیت آنان وجود ندارد، با تحول و ظهور دموکراسی کاملاً دگرگون شد و دامنه حضور آنرا میتوان تا حدودی در حقوق خصوصی افراد دید.

تفاوت نظرات افراد نسبت به موضوعات اجتماعی فصل مشابهی است که نمیتوان در مسیر آن به دستاوردهائی رسید که نیاز جوامع اجتماعی را تأمین کند، اینکه چه کسانی میتوانند سازنده و ارانه دهند **خرد جمعی** باشند و چه ضمانت اجرایی برای اصالت آن دستاوردها وجود دارد و چرا افراد اجتماع باید بر آن **خرد جمعی** تمکین کنند و مشروعیت آن دستاورد **خرد جمعی** از کجاست و کیفیت تحصیل خرد جمعی از طریق اکثریت است و یا کیفیت و دیگر مسائلی از این دست سبب شده که اجتماع، با تصویب **قانون اساسی کشور** ضابطه ای محکم و مورد اعتماد را جایگزین **خرد جمعی** سازد زیرا اصل و قرار شناخته شده اجتماعات بر این است که **قانون اساسی** با طی مراحل از صافی **خرد جمعی** ملت گذشته است و دیگر نظرات و عقیده و سلیقه های خلاف آن هر قدر هم که زیاد باشد **خرد جمعی** تلقی **نمیشود** مشاوره و خیرخواهی و خیر اندیشی فقط در کار برد بهتر و سریعتر و فراگیر بودن **قانون اساسی** قابل استفاده است نه اینکه **خرد جمعی** بتواند پلی **بر قانون اساسی کشور** بزند. جواز این عمل دیکتاتوری جمعی و یا فردی است که با خرد جمعی که قانون اساسی آنرا منظم ساخته مخالف است.

بنابراین در یک جمله، در جوامع سیاسی امروز < **خرد جمعی** > محلی از اعراب ندارد و جای آنرا قانون اساسی و قوانین مدون گرفته است.

این تحریر لازم نمی‌بیند که در بیان اهمیت و وزن حقوقی و اعتمادی جوامع کشورهای **قانون اساسی** کشورشان معطل گردد. **قانون اساسی کشورها** سد محکمی است که اجازه عبور نظرات و **خرد جمعی** مخالف آنرا نمیدهد و اگر خلاف آن باشد نظام سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور گسیخته و درهم میشود، کار برد و احترام به **خرد جمعی** وقتی است که **قانون اساسی** تغییر کند و منطبق با **خرد جمعی** گردد.

اعلیحضرت هم در سالهای گذشته به اعتبار قانون اساسی در مقابل **خرد جمعی**، دقیقاً آگاه بوده اند که فرموده اند:

«میان وظیفه ای که بر پایه حضور و شرکت بی قید و شرط پیکار در راه نجات میهن فرامیخواهد و تعهدی که با تمام وجودم برای پاسداری از قانون اساسی مشروطه پذیرفته ام کوچکترین تناقضی نمی‌بینم»

(مصاحبه با کیهان لندن سال ۱۳۶۶ = ۲۵۲۶ = ۱۹۸۷)

واما بعد

در بیانات اعلیحضرت در تورنتو مسئولیتها و تعهداتی متوجه **خرد جمعی** شده است که این تحریر اجازه می‌خواهد به مواردی از آن اشاره ای داشته باشد.

۱- **خرد جمعی برای جلوگیری از جنگ**

فرموده اند < باید با **خرد جمعی** خطر جنگ را از بین ببریم > گروهی از ایرانیان مُصردر حمله نظامی آمریکا به ایران هستند و سقوط جمهوری اسلامی را تنها از همین راه میدانند یعنی بخشی از **خرد جمعی** جامعه ایرانی به دنبال فراهم ساختن زمینه های جنگ آمریکا با ایران هستند.

خرد جمعی گروهی دیگر خواستار حمله نظامی به ایران هستند ولی ترجیح میدهند که آنرا بازگو نکنند.

«گروهی دیگر شرط و شروطی برای حمله آمریکا به ایران قائل هستند و باز اشخاصی در صورت بی نتیجه ماندن تلاشها برای متوقف ساختن فعالیت اتمی ایران حمله نظامی را تنها راه میدانند و شخصیتی هم تصور میکند که اگر بیگانگان شانس به اپوزیسیون بدهند ولی اپوزیسیون باشکست مواجه شود آنوقت فکر میکنم بسیاری به عنوان آخرین شانس تسلیم گزینه حمله شوند» (انتخاب زمان صفحه ۱۹۷)

شخصیتی هم مسئله حمله نظامی به ایران را با تاریخ روز معامله میکنند از باب نمونه: زمانیکه آقای بوش در سال ۲۰۰۱ جنگ جهانی علیه تروریسم را اعلام و به افغانستان حمله کرد، آن شخصیت هم در مصاحبه با صدای آمریکا بتاريخ ۱۳ دسامبر ۲۰۱۱ خواستار این شد که در جنگ آمریکا علیه تروریسم، ایران [منظور جمهوری اسلامی است] در مقام اول قرار گیرد.

گروهی هم که از **خرد جمعی قانون اساسی و متمم آن** تبعیت میکنند با هرگونه مداخله سیاسی و یا نظامی بیگانگان در امور ایران و مبارزه رهائی بخش ایرانیان سخت مخالف و آنرا محکوم میکنند و نه شرطی بر آن قائلند و نه گفتگویی را در آن مجاز میدانند.

اعلیحضرت در مورد **خرد جمعی** ما ایرانیان مدافعه فرموده اند، سی سال است **خرد جمعی** ما ایرانیان خارج از کشور در کوچکترین مسائل ظهوری نداشته است و بقول یکی از کارشناسان آمریکائی > ۵ ایرانی که در موضوعی جمع شوند ۶ نظر و تفکر که همه باهم مخالفت است ارائه میدهند < (اسناد سفارت آمریکا) تا چه رسد به موضوع جنگ که بهیچ عنوان **خرد جمعی** نمیتواند از وقوع آن جلوگیری کند، مگر جنگ هائی که در کشورها روی داده و میدهد مردم کشورها از **خرد جمعی** محروم بوده اند؟ حتی خرد جمعی مردم کشورهای مهاجم هم تاثیری در وقوع جنگ و ادامه آن نداشته است مصالح کشورها بر اساس **قانون اساسی کشورها** شناخته و منظم میشود نه **خرد جمعی** بابینهایت تضادها.

نتیجه وصله کردن **خرد جمعی** مابه از بین بردن جنگ این است؛ در صورتی که آمریکا و اسرائیل به ایران حمله کنند، خود داری ما ایرانیان از بنذل **خرد جمعی** خودمان! عامل همه ویرانی ها و خسارات ناشی از جنگ با ایران معرفی خواهد شد خاصه که بیان اعلیحضرت پاواژه «باید» آغاز شده است که تاکید بر موثر و قاطع بودن **خرد جمعی** در جلوگیری از جنگ است.

آنجا که اعلیحضرت در همین بیانات میفرمایند

> من هیچ دلیلی نمی بینم که ما نتوانیم از این سد پاکترین هزینه عبور کنیم به شرطی که **خرد جمعی** مان را بکار بندیم < مستفاد از این است که اعلیحضرت هیچ مانع و دلیلی نمی بیند که ایرانیان خارج از کشور نتوانند با بکار بردن **خرد جمعی** خودشان جلوی جنگ را بگیرند، بنابراین اگر ما **خرد جمعی** خودمان را برای جلوگیری از جنگ بکار نگیریم، این جنایت و قصور و امساک تاریخی بعهد ایرانیان خارج از کشور است که بتوصیه اعلیحضرت توجه نداشته است.

البته اعلیحضرت راه و روش بکار بردن **خرد جمعی** در جلوگیری از جنگ را هم ارائه داده اند و آن این است که قطار شورایملی است که براه افتاده است. !

شاید هم نظر اعلیحضرت از **خرد جمعی**، شورائی ملی باشد که بتواند با عمل در الگوی سوریه نیازی به حمله نیروهای آمریکا و اسرائیل به ایران نباشد.

۲- خرد جمعی و انتخابات

میفرمایند:

«باید از دنیا و سازمان های حقوق بشری بخواهیم که ما را در انجام خواست برگزاری انتخابات آزاد کمک کنند، ما از دولتهای غربی میخواهیم که در سیاست های خارجیشان از حق مردم ایران برای انتخاب آزاد حمایت کنند»^۱

در حالیکه هنوز **خرد جمعی** مورد نظر اعلیحضرت بدست نیامده و خواستار تولید آن شده اند، چگونه است که **خرد جمعی** ایرانیان را بهانه دعوت خارجیان به مداخله در امور سیاسی آنها حقوق سیاسی داخلی مردم قرار میدهند؟ مفهوم این درخواست متوجه شخص اعلیحضرت است نه حتی **خرد جمعی**، در حالیکه **خرد جمعی** ظهور عینی ندارد، بیان مطلب متوجه شخص گوینده است و واژه «ما» تبدیل به «من» میشود.

^۱ - توجه کامل لازم است که در بیانات اعلیحضرت و در منشور و اطلاعیه ها سخنی از سرنگونی یا براندازی رژیم اسلامی بصورت آشکار نیست و هدف غائی بر روی «انتخابات آزاد» تکیه قاطع دارد، و شرایط آن هم مشخص نیست. انتخابات تنها می تواند با حضور قانون کشور (قانون اساسی) انجام پذیر شود. اگر چنین انتخاباتی در هر شکلش بدون توجه به قانون اساسی ۱۹۰۶ و متمم آن باشد، در آنصورت بایستی تابع مقررات جاری قانون اساسی جمهوری اسلامی باشد. [بجز این دو داتای بنیادی چیز دیگری در اختیار ما نیست] چنین انتخاباتی نه آزاد بلکه نقض غرض خواهد بود. اگر بر اساس قوانین مندرج در سیستم جمهوری اسلامی نباشد و با نظر ناظران خارجی انجام شود باز هم «آزاد» نخواهد بود و نظرو اعمال نفوذ های بیگانگان جاری خواهد شد که خود سوزی دیگری است. ح-ک

خوب بگذریم، دنیا و سازمان های حقوق بشری دنیا چگونه میتوانند کمک کنند که «ما» انتخابات آزاد داشته باشیم؟ درحالیکه **صرف صحبت و تقاضای کمک دنیا و یاسازمان ها به انتخابات، سالب رکن آزادی انتخابات است**، و این قاعده در تمام جوامع دموکراتیکی قابل الرعایه میباشد، تصور نمیکنم تاکنون هیچ رهبر و یا شخصیت سیاسی، علنی و آشکار دخالت و کمک بیگانگان را در انتخابات کشورش خواسته باشد و نام آنرا هم انتخابات آزاد گذاشته باشد.

کمک به انتخابات در تمام ادوار تاریخی انتخابات، کمک مالی **افراد کشور** برای تبلیغ کاندیدای خود آنهاست که آنهم تحت کنترل قانون چه از لحاظ مبلغ و چه منشاء است.

کمک مالی کشورهای خارجی به انتخابات کشورهای دیگر معنای جز کمک به انتخاب افراد مشخصی برای حفظ منافع کشور کمک کننده ندارد که آنهم منفور ترین نوع دخالت در حق حاکمیت ملتهاست.

کمک امری نسبی و بسیار کسدار و حساس است و وقتی پای خارجی درین باشد آنهم بملاحظه انتخابات که باید با اصالت و پاکی همراه باشد نامش ننگ است نه انتخابات.

ملتی که از هم اکنون که انتخاباتش نه به بام است و نه به دار چگونه پیشاپیش از بیگانه درخواست دخالت و کمک در انتخابات رامیکنند آنهم نه یکبار و بکرات و حتی شورائی برای همین منظور تشکیل میدهد.

کجای این عمل و قیج و زشت، عمل خردمندانانه شناخته میشود که خرد جمعی مستند این خیانت باشد؟

یک چلوکباب به رای دهنده داده میشد اصالت و آزادی انتخابات زیر سوال میرفت کجا کسی جرات داشت که دخالت و کمک بیگانه را برای انجام انتخابات بر زبان بیاورد؟

خرد جمعی ناشی از **قانون اساسی مشروطیت** است که باب این توقعات نسنجیده و اتهام سازر امسود ساخته است.

نالی فاسد پریشان گوئی ها

این دعوت های ناموجه و این درخواست های کمک مکرر، ضابطه ای خواهد شد که در آینده هر انتخاباتی که پس از فروپاشی جمهوری اسلامی صورت گیرد، با این سوابق یعنی تاکید درخواست کمک و دخالت دنیا، انتخابات ایران با مهر بطلان و نامشروع بودن همراه گردد.

مقایسه تز انتخابات اعلیحضرت در سال ۱۳۷۰ با تز امروز ایشان

در سال ۱۳۷۰ (۲۵۳۰ = ۱۹۹۱) پس از آنکه اعلیحضرت کاملاً از اعتقاد سیاسی خودشان به سوگند تصدی سلطنت و پاسداری از **قانون اساسی مشروطیت و متمم آن** عدول و عقب نشینی فرمودند بالطبع ترمیم رزاتی ایشان هم که تا آن زمان براندازی جمهوری اسلامی بود به مبارزه (بخوانید) مخالفت آرام تغییر یافت و در راستای این تحول نگون بختی، تز انتخابات و مشارکت در آن از سوی اعلیحضرت در پیام هشتم آبانماه سال ۱۳۷۰ عنوان گردید که به اتفاق قسمت مربوطه را از آن پیام میخوانیم:

«..... من بعنوان نخستین تجربه جدی دموکراسی، پس از چندین دهه، پیشنهاد انتخابات آزاد را در کشورم دادم و خوشبختانه این پیشنهاد در مهمترین سازمان ها و گروههای سیاسی واکنش مساعدی داشت چنین واکنشی برای گامهای بعدی که باید برداشته شود بسیار تشویق کننده است انتخابات آزاد در شرائط متفاوت، کارکردهای متفاوت دارد در ایران فردا، ایران رها شده از یوغ این حکومت، انتخابات آزاد در خدمت این هدف خواهد بود تا هرایرانی با هرایدیولوژی، با

هراعتقاد دینی و اخلاقی و باهرگرایش سیاسی بتواند در سرنوشت کشورش دخالت کند و سهمیم باشد اما در ایران امروز انتخابات آزاد کارکرد دیگری نیز میتواند داشته باشد و آن اینکه آسان ترین و آرامترین راه را برای کنار رفتن پیش پای این رژیم میگذارد. انتخابات آزاد راهی در برابر حکومت کنونی میگذارد که برای ایران کمترین خطر ها و زیان ها و برای دست اندرکاران این حکومت بیشترین اطمینان ممکن را نسبت به آینده شان بوجود میآورد.»

(مشروح درسنگر آبانماه ۱۳۷۰)

مقاومت اعلیحضرت در اجرای تز انتخابات و شرکت ایرانیان در انتخابات مجلس حدود ۷ سال بطول انجامید و نحوه خوان آن داریوش همایون و سپس ارفع زاده بود که در کیهان درباره اصلت پیشنهاد انتخابات آزاد مقاله مینوشتند و داریوش همایون در یکی از مقالاتش نوشت: «هرکس غیر از انتخابات آزاد و شرکت در آن راهی دارد خوش آمدی»

پس از ۷ سال و تحریرات مفصل درباره نادرستی تز مزبور و استناد به قانون اساسی جمهوری اسلامی و اینکه هرا انتخاباتی باید بموجب قانون باشد و بسیاری مطالب دیگر که در ۴ شماره سنگر منعکس و حضور اعلیحضرت هم تقدیم میشد، کم کم اعلیحضرت به این بیان منطقی توجه و التفات فرمودند «که با وجود جمهوری اسلامی انتخابات آزاد بی معنی است».

در کمال تاسف اکنون بعد از ۲۲ سال که از پیام هشتم آبان سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) و ابراز مسرت از تز انتخابات آزاد در جمهوری اسلامی میگذرد باز یاد هندوستان کرده ایم و این بار شورانی هم برای انجام آن، علم داشته ایم.

تفاوت تز انتخابات آزاد امروز و تز انتخابات سال ۱۳۷۰ در چیست؟

در این است که در تز سال ۷۰ پای کشورهای خارجی در میان نبود و در تز شورای ملی که سخت

مورد حمایت اعلیحضرت است تز انتخابات آزاد بردخالت و کمک و خاصه، سیاستهای خارجی

کشورها پیوند یافته است و از آنجا که انجام انتخابات آزاد با وجود جمهوری اسلامی ممکن نیست

(تأیید اعلیحضرت) و نظر به اینکه کشورهای خارجی خود میدانند که انجام انتخابات آزاد با بقای

جمهوری اسلامی ممکن نیست لذا ماهیت خواست کمک از کشورهای جهان به انجام انتخابات آزاد

بر میگردد به سرنگونی جمهوری اسلامی که آنها در شرایط فعلی که مطرح جهان سیاست است

الگوی سوریه است. ۲

ادامه دارد....

برای خواندن بخش سیم و آخر به اینجا کلیک کنید:

[http://www.1400years.org/AmirFeyz/NaghdBayanatRPToronto-Shora-komakMali\(3\)-AmirFeyz-05Oct2012.pdf](http://www.1400years.org/AmirFeyz/NaghdBayanatRPToronto-Shora-komakMali(3)-AmirFeyz-05Oct2012.pdf)

^۲ - یکی از آثار وابستگی شورای ملی و منشورش به طرحی مشابه آنچه در سوریه می گذرد به روشنی در لیست بانیان و پشتیبانان شورا در ردیف ۱۱ به این صورت آمده است: ۱۱ ۰۶/۰۹/۲۰۱۲ کارزار ائتلاف ایرانیان و سوری ها برای محاکمه خامنه ای ح-ک